

خصوصیات قومی و ملی در ادبیات کودکان کشورهای اسکاندیناویایی

ماریا نیکلاژوا
آفرین فنبیری نفرشی

خارج از قاره اروپا و حتی در بعضی از قسمت‌های این قاره، کشورهای اسکاندیناوی را به صورت کلی، به عنوان یک گروه مشابه محسوب می‌کنند. این فرض، بر مبنای روابط و پیوندهای جغرافیایی، قومی و نژادی، زبان‌شناختی و فرهنگی بین این کشورها شکل گرفته است. معمولاً از دانش‌پژوهان و متخصصین منطقه اسکاندیناوی انتظار می‌رود که اطلاعات کاملی در مورد کشورهای این منطقه داشته باشند و بتوانند به زبان تمام کشورهای اسکاندیناوی صحبت کنند و بخوانند.

من نیز کار حرفه‌ای خود را به عنوان یک مترجم زبان‌های اسکاندیناویایی، بدون تفکیک کردن آن‌ها از یکدیگر شروع کردم. این کار حتی هنگامی که فقط در حیطه زبان‌های اصلی اسکاندیناوی یعنی دانمارکی، سوئدی و نروژی باشد، بسیار



حساس است و اگر شما زبان مردم جزایر فارو و زبان ایسلندی را به این گروه اضافه کنید، کار بسیار مشکل‌تری خواهد شد و اگر زبان فنلاندی نیز به جمع این گروه اضافه شود، انجام آن تقریباً محال خواهد بود. در مواردی حتی از من خواسته شده که مطالبی را از زبان فنلاندی ترجمه کنم. درحالی که فنلاندی یک زبان اسکانديناویایی و حتی از ریشه زبان‌های هند و اروپایی هم محسوب نمی‌شود. این نوع برخورد، ناشی از این تصور عمومی است که کشورهای اسکانديناوی، شبیه یکدیگرند. این تصور، فقط هنگامی می‌تواند درست باشد که ما از خصوصیات تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی، سیاسی و تفاوت‌های فرهنگی و دیگر عوامل تأثیرگذار در ادبیات خاص و منحصر به فرد هرکدام از این کشورها صرف‌نظر کنیم و آن را نادیده بگیریم.

این تفاوت‌ها بسیار عمیق و در بعضی موارد، کاملاً آشکار است. برای مثال از نظر سیاسی، سوئد، دانمارک و نروژ دارای حکومت سلطنتی هستند، درحالی که حکومت ایسلند و فنلاند، جمهوری است. در شرایطی که سوئد و دانمارک، پیشینه باشکوهی به عنوان ملل مستقل دارند، نروژ در سال ۱۹۰۵، فنلاند در ۱۹۱۷ و ایسلند در ۱۹۴۴ تازه استقلال خود را به دست آورده‌اند. همچنین، سوئد تنها کشوری بود که توانست در جریان جنگ جهانی اول، سیاست بی‌طرفانه مشهور خود را حفظ کند و خود را از جنگ برکنار نگهدارد. در این مورد اروپا بی‌مانند بود و کشورهای دیگر، درگیر جنگی خانمانسوز شدند. تمام این مسائل، به طور طبیعی، در دنیای خیالی و ساختگی کتاب‌های کودکان بازتاب داشت. برای مثال، به عنوان یک مبحث، فقدان جنگ در ادبیات کودکان سوئدی، به جز در داستان‌های تاریخی آن‌ها کاملاً آشکار است. همچنین، موضوع هویت ملی و سوئدی بودن، به ندرت در ادبیات کودکان سوئد مطرح شده، در حالی که این موضوع، اغلب هسته مرکزی ادبیات نروژ و ایسلند را تشکیل می‌دهد. تفاوت‌های دیگری نیز وجود دارد که وقتی ادبیات کودکان در منطقه اسکانديناوی مورد بحث قرار می‌گیرد، نمی‌تواند نادیده انگاشته شود.

زبان فنلاندی که ۹۴ درصد از جمعیت فنلاند به آن زبان صحبت می‌کنند، تا زمان گردآوری و انتشار حماسه‌های کاله والا (Kalevala) در سال ۳۶-۱۸۳۵، از ادبیات مکتوب بسیار ناچیزی برخوردار بود. در عوض، نگارش ادبیات کودکان به زبان سوئدی، در قرن نوزدهم شکوفا شده است. در همین دوره، ادبیات فنلاند، به طور طبیعی تحت تأثیر ادبیات فراگیر زبان سوئدی قرار داشت. اگرچه فنلاند، از نظر سیاسی تحت سیطره امپراتوری روسیه بود، از نظر فرهنگی، نزدیکی خود را به سوئد حفظ کرده بود و روشنفکران نخبه و ممتاز آن، تقریباً به طور انحصاری، به زبان سوئدی صحبت می‌کردند. از طرفی، ادبیات زبان دانمارکی، به سبب نزدیکی و مجاورت این کشور با آلمان، همیشه تحت تأثیر ادبیات آلمانی بوده است.

در حالی که کشورهای دیگر منطقه، از این نظر تأثیرپذیری کمتری داشته‌اند؛ اگرچه حداقل تا زمان جنگ جهانی دوم، تأثیر فرهنگ آلمانی در سوئد و نروژ نیز بسیار شدید و جدی بوده است. ایسلند، به دلایل واضح و بدیهی، در انزوای فرهنگی بیشتری نسبت به سایر کشورهای منطقه قرار داشت. در منطقه اسکانديناوی، فرهنگ‌های کوچک‌تری نیز وجود دارد، که گرینلند و جزایر فارو و همین‌طور فرهنگ لاپلاندی در منطقه شمالی فنلاند، سوئد و نروژ را شامل می‌شود. این فرهنگ‌ها با وجود کوچکی، هرکدام ادبیات کودک خاص خود را دارد و هر یک از این فرهنگ‌ها می‌کوشد هویت ویژه خود را در تباین و حتی در مواردی، در ستیز با فرهنگ‌های خردکننده‌ای که آن را احاطه کرده است حفظ کند. تلاش این فرهنگ‌های اقلیت، در پیدا کردن راهی است که توسط آن بتوانند خود را زنده نگه دارند. چرا که مخاطبان این ادبیات، محدود هستند و چاپ کتاب کودکان، به این زبان‌ها از نظر تجاری غیرعملی است. کمک‌ها و حمایت‌های دولتی به این اقلیت‌ها نیز به استقلال نماینده ادبی منطقه اسکانديناوی، هانس کریستین اندرسن^۱ دانمارکی است. در کنار او می‌بایست از سلمالاگراف^۲ برنده جایزه نوبل در

ادبیات نیز یاد کرد. که ماجراهای عجیب‌انگیز نیلز^۳ را در سال ۷-۱۹۰۶ به رشته تحریر کشیده است. این کتاب احتمالاً شناخته شده‌ترین کار ادبی به زبان سوئدی در دنیا محسوب می‌شود. بیشتر خوانندگان بین‌المللی، امروزه در مورد آسترید لیندگرن^۴ سوئدی چیزهایی شنیده‌اند؛ حتی اگر کتاب او را نخوانده باشند. در بعضی از کشورها به خصوص در اروپای شرقی، او به شدت مورد علاقه مردم است. اگرچه یک بررسی در میان خوانندگان جوان، این مطلب را آشکار کرده که بسیاری از آن‌ها فکر می‌کنند او یک انگلیسی، آلمانی و یا هلندی است. تاو جانسون^۵ نویسنده پرآوازه کتاب‌های مومین^۶ بهت و پریشانی بسیاری را در میان کسانی که می‌دانستند وی اهل فنلاند است، اما درک نمی‌کردند چرا به زبان سوئدی می‌نویسد، ایجاد کرد. در بسیاری از جاهای دنیا کتاب‌های منحصر به فرد نویسندگانی هستند که تحت عنوان مشترک اسکانديناویایی شناخته می‌شوند؛ بدون این که وجه اشتراک بیشتری در مورد آن‌ها وجود داشته باشد. یک آزمون از بعضی انواع

عرصه بین‌المللی دست نیافته‌اند. که شاید علت آن، شیوه نگارش عجیب و غریب، فلسفه وجودی و تکنیک داستان‌سرایی پیچیده و غیرطبیعی آن‌ها باشد. در سال‌های دهه ۱۹۷۰، بسیاری از رمان‌های نوجوانان سوئدی و مخصوصاً آن‌هایی که توسط گائل بکفن^{۱۱} نوشته شده بود، به اعتراف جامعه بین‌المللی، گام بلندی در ترسیم دلیرانه و صریح مشکلات امروزی، نوجوانان برداشت؛ مشکلاتی مانند سقط جنین، حق تکفل نوجوانان، اعتیاد به موادمخدر، خشونت، بیگانگی و بیزاری و خودکشی. بسیاری از کارشناسان غیرسوئدی در ادبیات کودک، هنوز هم داستان‌های نوجوانان سوئدی را با همین داستان‌های بی‌پروا و جسورانه می‌شناسند. این کتاب‌ها در قیاس با ادبیات نوجوانان کشورهای دیگر، هم‌چنان از شهامت خاصی در بیان مشکلات نوجوانان برخوردارند. این درحالی است که ادبیات کودکان و نوجوانان سوئدی، راه درازی را از ادبیات تعلیمی و پیام‌های صریح پیموه تا به امروز رسیده است. امروز بهترین نویسندگان، اولویت را به ظرافت طبع

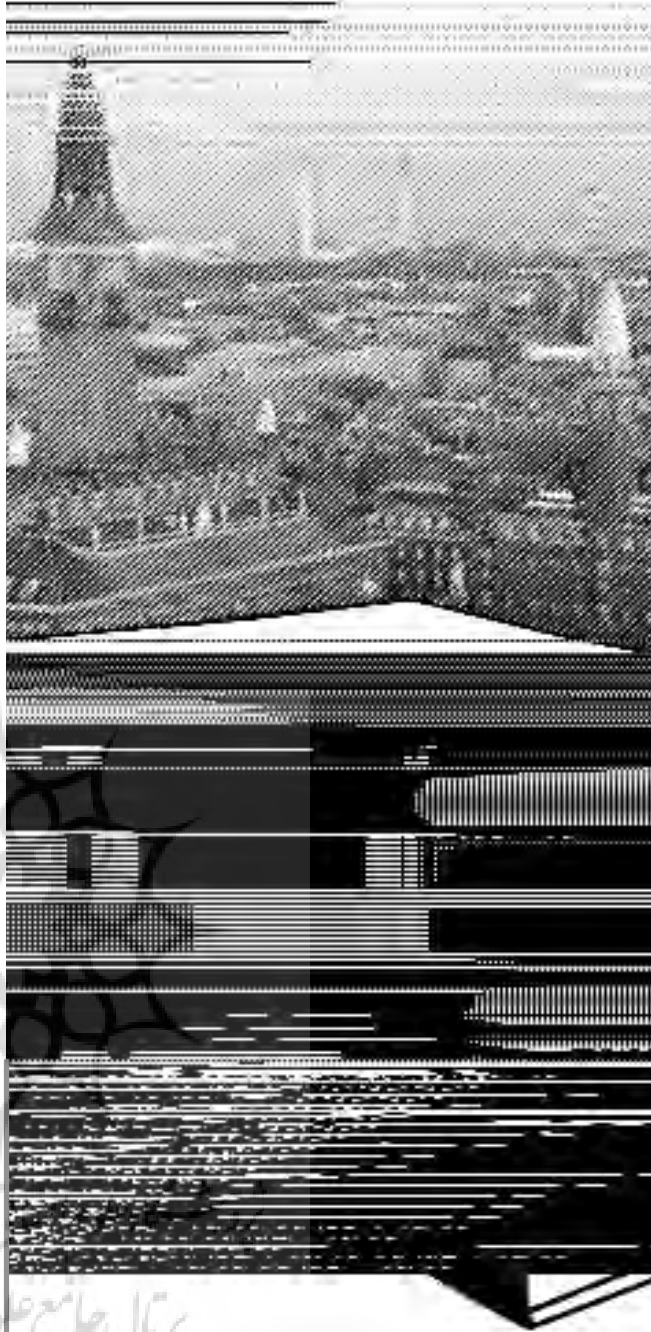
ادبیات کودکان نروژی، از نظر بین‌المللی خیلی شناخته شده نیست. این شاید به سبب چاشنی ملیتی غلیظ آن باشد. ادبیات کودکان نروژ، به عنوان یک ادبیات ملی، بعد از ادبیات دانمارکی و سوئدی پدیدار می‌شود و هدف اصلی آن، حفاظت از ارزش‌های ملی این کشور است

موجود در کتاب‌های‌شان می‌دهند و این ارزش‌ها را بر این که منحصرأ بر پیام‌های اخلاقی و تربیتی تمرکز کنند، ترجیح می‌دهند.

ادبیات کودکان نروژی، از نظر بین‌المللی خیلی شناخته شده نیست. این شاید به سبب چاشنی ملیتی غلیظ آن باشد. ادبیات کودکان نروژ، به عنوان یک ادبیات ملی، بعد از ادبیات دانمارکی و سوئدی پدیدار می‌شود و هدف اصلی آن، حفاظت از ارزش‌های ملی این کشور است.

اتفاقات جنگ جهانی دوم و به ویژه اشغال و تصرف نروژ توسط نازی‌ها، تأثیر زیادی بر متون و انتشار قصه‌های کودکان داشت (در مقابل، در

ادبیات کودکان، موقعیت آن‌ها را در کشورهای مختلف اسکانديناویایی مشخص کرد. کتاب‌های مصور سوئدی، بازار فروش جهانی را به تسخیر خود درآورده است که در صدر آن‌ها «پائین به سمت زمین» توماس وبستی^۷ کتابی که در سال‌های اولیه دهه ۱۹۷۰، توسط گانیلاولد^۸ نوشته شد و کتاب خنده‌دار «فستوس و مرکوری»^۹ که اخیراً توسط سوون نورک ویست^{۱۰} نوشته شده، قرار دارد. کتاب‌های مصور با زبان بین‌المللی قابل دیدن خود، شانس بیشتری برای کسب شهرت جهانی دارند؛ اگرچه تمام آفرینندگان ممتاز معاصر کتاب‌های مصور سوئدی، به چنین موفقیتی در



کتاب ماه کودک و نوجوان / اردیبهشت ۸۱

اختلاف موضوعی و سبکی شایان توجهی در ادبیات کودک و نوجوان کشورهای اسکاندیناویایی به چشم می‌خورد. ادبیات کودکانه نوشته شده به زبان سوئدی در فنلاند، به طور قابل توجهی بی‌روح‌تر و سردتر از آن چیزی است که در زبان سوئدی وجود دارد.

کشورهای اسکاندیناویایی به چشم می‌خورد. ادبیات کودکانه نوشته شده به زبان سوئدی در فنلاند، به طور قابل توجهی بی‌روح‌تر و سردتر از آن چیزی است که در زبان سوئدی وجود دارد. این ادبیات بسیار تشریحی‌تر و متمرکز شده‌تر بر ارزش‌های سنتی خانوادگی و ملی است؛ مشخصه‌ای که آرزوی وحدت و یگانگی جمعیت فنلاندی سوئدی را منعکس می‌کند. این ادبیات همچنین اسطوره‌ای‌تر است؛ زیرا خواستار به وجود آوردن دنیای خاص خود است و این دنیای خاص، به گونه‌ای است که آن را به انزوا می‌کشاند در ادبیات کودکان فنلاندی سوئدی از غم و ناراحتی، انفعال، ره‌اشدگی و محرومیت کودکان به شکل احساسی و مهیج که در ادبیات کودکان سوئدی، از دهه ۱۹۶۰ تاکنون به وفور یافت می‌شود، هیچ خبری نیست و عملاً رمان نوجوانان که قسمت برجسته‌ای از نشر نوجوانان معاصر سوئدی محسوب می‌شود، برای خوانندگان فنلاندی وجود خارجی ندارد. شاید افسانه‌های کودکانه فنلاندی سوئدی، به عنوان ادبیات مربوط به جمعیتی که به سرعت رو به تقلیل است، بر نکات مثبت و تجربه‌های واضح و صریح برای معرفی هویت خود متمرکز می‌شود.

ادبیات کودکان و نوجوانان دانمارکی، حتی از ادبیات کودکان سوئدی نیز خشن‌تر و صریح‌تر است. یک روش جدید این بود که حداکثر واقع‌گرایی واقع‌گرایی افراطی با مطالب استعاری و عناصر فراواقع‌گرایانه ترکیب شود. یکی از بهترین مثال‌های این سبک، رمان «بنوت پسر نئون»^{۱۷} است که توسط بنت هالر^{۱۸} نوشته شده و داستان سفر عیسی مسیح، به زمان حال دانمارک و رو به رو شدن او با زندگی در محلات پست و کثیف شهر، نکبت و بدبختی حاد، الکلیسم، استعمال مواد مخدر، فحشا و جنایت را روایت می‌کند. بعد از مطالعه این کتاب، این سؤال بیش از همیشه مطرح می‌گردد که «آیا این واقعاً کتاب کودکان است؟»

اگر امکان نامگذاری مشترکی برای ادبیات کودکان «اسکاندیناویایی» وجود داشته باشد، این اشتراک تنها در مقایسه ادبیات کودکان اسکاندیناویایی

رمان‌های کودکان سوئدی، حتی در نوشته‌ها و مجموعه‌هایی که بلافاصله بعد از سال ۱۹۴۵ به تحریر درآمده‌اند هم به سختی می‌توان تذکر و اشاره کوچکی به جنگ جهانی دوم یافت). تعداد قلیلی از این رمان‌های وطن‌پرستانه، به زبان‌های دیگر ترجمه شده است. حتی مدال آندرسن که در سال ۱۹۹۰ در تورمود هوگن^{۱۲} اعطا شده نتوانست چندان توجهی به ادبیات کودکان نروژی جلب کند. این وضعیت تا زمان موفقیت شگرف دنیای سوفی،^{۱۳} اثر ژوستین گارد^{۱۴} که یک داستان فانتزی و تعلیمی برای آشنایی نوجوانان با دنیای فلسفه است، ادامه داشت. فقط در این هنگام بود که یک نویسنده کودکان نروژی، به موفقیت بین‌المللی دست یافت. جالب این است که ترجمه انگلیسی این اثر، به عنوان رمان کودکان شناخته نشد. آنچه خوانندگان انگلیسی زبان ممکن است ندانند، این است که ترجمه این کتاب، اساساً برای شنوندگان انگلیسی آن تغییر کرده است. به همین دلیل، هر اثر و ردپایی از فلاسفه نروژی و همین‌طور ادبیات و فرهنگ این کشور، در این ترجمه محو شده است. به عبارت دیگر، حجم این رمان در ترجمه انگلیسی، بسیار کم‌تر از نسخه اصلی نروژی است.

افسانه‌های بومی و داستان‌های ملی نروژی، در کنار داستان‌های آندرسن؛ توسط پیتر کریستین آسیبورنسن^{۱۵} و یورگن مویی^{۱۶} جمع‌آوری شده است و حداقل، کارشناسان بین‌المللی داستان‌های ملی و قصه‌های جن و پری، آن‌ها را به خوبی می‌شناسند. اما هیچ مکتوب شناخته شده مشابهی در مورد داستان‌های جن و پری سوئدی وجود ندارد. هنگامی که در سوئد، جمع‌آوری و انتشار داستان‌های ملی و سازگار کردن آن‌ها برای کودکان، در پایین‌ترین حد توجه قرار داشت، انجام این کار، بخش فوق‌العاده حیاتی میراث ملی نروژ را تشکیل می‌داد. همین مطلب در مورد ادبیات ملی ایسلند نیز صدق می‌کند و بسیاری از نویسندگان کودکان معاصر ایسلندی، از این ادبیات ملی الهام گرفته‌اند.

اختلاف موضوعی و سبکی شایان توجهی در ادبیات کودک و نوجوان

یا ادبیات کودکان کشورهای مناطق دیگر آشکار می‌شود.

فقدان آشکار (البته بدون در نظر گرفتن چند استثنا) ادبیات فانتزی، مانند آن‌چه در بریتانیا وجود دارد، امری بدیهی در ادبیات این منطقه محسوب می‌شود. اگرچه اسکاندیناویا می‌تواند به اساطیر غنی خود که هنوز به شکل افسانه‌های محلی زنده هستند، مباحث کند، این منابع نمی‌توانند الهام‌بخش نویسندگان کودکان مطرح این منطقه باشند.

ادبیات کودکان اسکاندیناویایی، متکی بر واقع‌گرایی است. البته همان‌طور که گفته شد استثناهایی هم وجود دارد. نروژ تعدادی نویسنده بزرگ در زمینه کمدی‌هایی خیالی دارد؛ مثل آلف پرویس^{۱۹}، کسی که «خانم پیرپات کوچک پیر»^{۲۰} را نوشته و شهرت جهانی دارد، یا توربیورن ایگنر^{۲۱} که «شهر آوازه‌خوان»^{۲۲} را نوشته است. در دانمارک یکی دیگر از بزرگان اسکاندیناویایی مدال اندرسن، سسیل بودکر^{۲۳} است که یک دنیای تاریخی خیالی را در مجموعه‌ای دوازده جلدی خلق کرده که با کتاب «سیلاس و جادوی سیاه»^{۲۴} شروع می‌شود؛ کاری که در ادبیات کودکان، به عنوان یک شعر حماسی، غیرمعمول به نظر می‌رسد.

وقتی رتالیسم اسکاندیناویایی، با ادبیات کودکان رتالیستی در ایالات متحده مقایسه می‌شود، هر دو جسورانه و اجتماعی به نظر می‌آیند. از دهه ۱۹۵۰ نویسندگان کودکان اسکاندیناویایی موضوعات سنتی ثابتی را کشف کردند که الگوی نامناسبی برای ادبیات کودکان به حساب می‌آید. هنگامی که ادبیات نوجوانان، در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ موضوع‌هایی مانند زنانی با محارم را مطرح کرد. به نظر می‌رسد که آخرین مسائل ممنوعه نیز منسوخ شده است.

در همین زمان، نویسندگان اسکاندیناویایی، به طور گسترده‌ای تکنیک داستان‌سرایی موسوم به پست‌مدرن را پذیرفتند که شیوه‌ای با راوی‌های چندگانه و یا نامعلوم و الگوهای زمانی پیچیده است. از آن‌جا که این روش در کشورهای دیگر نیز آشکار شد، نوشتار تجربی هوگن هالر^{۲۵} و پیتربیل^{۲۶}، پرنیلسون^{۲۷} و

متزوانو تابی^{۲۸} بیشتر نوآوران و بدعت‌گزاران در قصه‌های کودکان اسکاندیناویایی مرد هستند منتقدان را مجبور کرد که بسیاری از مفاهیم ادبیات را بار دیگر برای خوانندگان جوان تعریف بکنند. در جامعه بین‌المللی، این روش همان‌قدر که با تحسین مواجه شد، خشم بعضی را نیز برانگیخت. وقتی منتقد استرالیایی، آگنس نیوون هویزن^{۳۰} ستایش زیادی از داستان «دوست من جانی»^{۲۹} پل وزیلین^{۳۱} هوگان کرد، یک منتقد آمریکایی که بیشتر حالت شکاک دینی داشت، اظهار کرد رویکرد اصلی «شب پرندگان»^{۳۲} هوگان^{۳۳} وزیلین «تمایل به درون‌گرایی» است که ظاهراً برای خوانندگان جوان آمریکایی بسیار طاقت‌فرساست. هرچند ادبیات کودکان کشورهای اسکاندیناوی، در تسخیر کتابخانه‌های آمریکا چندان موفق نبود، توسط آلمانی‌ها و هلندی‌ها چنان تحسینی از آن شد که جوایز بسیاری برای نویسندگانی چون هوگان، پل، وال، اولف استارک،^{۳۴} اینگر ادلفلدت^{۳۵} به همراه آورد. ادبیات کودکان معاصر اسکاندیناویایی، در ژانر نیز به شدت موردعلاقه عموم مردم قرار گرفت. درحالی که پذیرش این سبک در آلمان بیشتر بر مبنای شباهت‌هایی متنی، سبکی و موضوعی و زمینه‌های مشترک اجتماعی بین دو کشور بود، برای خوانندگان ژاپنی، رمان‌های کودکان اسکاندیناویایی، جذابیت‌هایی کاملاً تازه و خود ویژه داشت. اگر ادبیات کودکان اسکاندیناویایی در جهان، خیلی کم شناخته شده است، به جز در مورد نام‌هایی که تقریباً به آن‌ها اشاره شد، جالب خواهد بود که ببینیم این پنج کشور چه چیزی راجع به یکدیگر می‌دانند، چه چیزی از ادبیات یکدیگر ترجمه کرده‌اند و نویسندگان نوآور این کشورها چقدر در کشورهای همسایه، به رسمیت شناخته می‌شوند. البته آثار لیندگرن سوئدی، ترجمه شده و با تأیید جهانی روبرو شده است: اگرچه کتاب‌هایش در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به سختی مورد انتقاد منتقدین افراطی و بنیان‌گرای دانمارکی قرار گرفت: کتاب پی‌پی^{۳۶} او به سبب نژادپرستی و گرایش به سرمایه‌داری، امیل^{۳۷} به دلیل تمایلات فتودالی، برادران شیردل^{۳۸} به سبب گرایش به

انزوی سیاسی خطرناک و وحشت‌انگیز که زندگی بعد از مرگ را نوید می‌دهد و خوانندگان جوان با جنبه‌های فاسدی از جهان آشنا می‌کند.

کتاب‌های مومین جیسون نیز به دیگر زبان‌های اسکاندیناویایی ترجمه شده است و در همان حال که مردم فنلاند علاقه بسیاری به آن‌ها نشان دادند بسیاری از خوانندگان سوئدی، این کتاب‌ها را به دلیل ترکیب خاص‌شان و نیز چون در شناختن شخصیت‌های عجیب و غریب «دره مومین» مشکل داشتند، نپذیرفتند. سوآلی که پیش می‌آید، این است که آیا دنیای مومین که مشخصات آن گفته شد، با وجودی که به زبان سوئدی نوشته شده، فنلاندی است؟ و آیا بخشی از ادبیات کودکان فنلاندی را تشکیل می‌دهد؟

اما بانوی بزرگ ادبیات کودکان نروژی، آن کت^{۳۹} است؛ نویسنده بسیاری از داستانهای فکاهی، توصیفی و خانوادگی که آثار او در دهه ۱۹۵۰ به زبان سوئدی ترجمه شده بود؛ اما هرگز خیلی مردم‌پسند و یا شناخته نشد. شاید چون نیاز این نوع داستان، پیش از آن با کتاب‌های دهکده شلوغ^{۴۰} لیندگرن برآورده شده بود و ادبیات کلاسیک نروژ، واقعاً قادر نبود با ادبیات بومی رقابت کند. در همان حال که افسانه‌های کودکان سوئدی، به دیگر زبان‌های اسکاندیناویایی ترجمه می‌شود، از جمله به زبان جزایر فارو، به نظر می‌رسد که سوئد بیشترین بی‌میلی را برای پذیرفتن آثار نویسندگان کودک، از همسایه‌هایش دارد. مشکل بتوان گفت که آیا این حالت، نشانه تحقیر برادر بزرگتر نسبت به برادران کوچک‌تر است و یا این که باور ندارد همسایگان چیزی برای آرایه به فروشگاه‌های کتاب کودکان سوئدی داشته باشند و یا اگر هم دارند، شانس آن‌ها در این زمینه بسیار ضعیف است؟ یکی از کنفرانس‌های اخیر نویسندگان کودکان اسکاندیناویایی که در بیسکوپس آرنو^{۴۱} خارج از استکهلم، در ماه ژوئن ۱۹۹۹ برگزار شد، یکبار دیگر این نادیده‌انگاری دوطرفه را تصدیق کرد. به نحوی که فرهنگ اقلیت‌ها، به طور کلی برای بسیاری از شنوندگان اسکاندیناویایی ناشناخته است و حاملین این فرهنگ‌ها نیز تلاش

خاصی برای شناساندن خودشان در خارج از مرزهای محدودشان نمی‌کنند. گویی تنها برای خوانندگان جوان خود، به صورت کاملاً هوشیارانه و حتی در مواردی مبهم، مشخصات و نشانی‌های موضوعات، ترکیبات و شخصیت‌ها را توضیح می‌دهند.

پرسش در مورد هویت ملی و جلوه‌های مشخص آن در ادبیات کودکان، به یک تحقیق جدی در ادبیات معاصر تبدیل شده، اما تاکنون هیچ روش تحلیلی رضایت‌بخش و یا یک تئوری عمومی در مورد آن آرایه نشده است.

هدف من در میان گذاشتن مشاهدات و دریافت‌های خودم، با دیگران بوده است. اگرچه ممکن است که این نوشته، بیشتر جمع‌آوری یک سری از حقایق باشد که زمینه بررسی گسترده‌تر را در مورد ادبیات کودکان اسکاندیناویا فراهم می‌کند.

منبع:

Book berd, ۲۰۰۰

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- Hans Christian Andersen
- ۲- Selma Lagerlof
- ۳- Wonderful adventures of Nils
- ۴- Astrid Lindgren
- ۵- Tove Jansson
- ۶- Moomin books
- ۷- Thomas and Betsy
- ۸- Gunilla Wolde
- ۹- Festus and Mercury
- ۱۰- Sven Nordqvist
- ۱۱- Gunnel Beckman
- ۱۲- Tormod Haugen
- ۱۳- Sophie's World
- ۱۴- Jostein Gaarder
- ۱۵- Peter Christen Asbjornsen
- ۱۶- Jorgen Moe
- ۱۷- The Prophecy of the Neonboy
- ۱۸- Bent Haller
- ۱۹- Alf Proysen
- ۲۰- Little Old Mrs. Pepperpot
- ۲۱- Torbjorn Egner
- ۲۲- The Singing Town
- ۲۳- Cecil Bodker
- ۲۴- Silas and the Black Mare
- ۲۵- Haugen Haller
- ۲۶- Peter Pohl
- ۲۷- Per Nilsson
- ۲۸- Mats Wahlnotably
- ۲۹- Johnny my friend
- ۳۰- Agnes Neumen Huizen
- ۳۱- Zeppelin
- ۳۲- Night Birds
- ۳۳- Haugen
- ۳۴- Ulf Stark
- ۳۵- Inger Edelfeldt
- ۳۶- Pippi
- ۳۷- Emil
- ۳۸- Brothers Lion Heart
- ۳۹- Anne Cath
- ۴۰- Noisy Village
- ۴۱- Biskops - Ano